

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چوکشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

Vanguard Woman	زن پیشتاز
----------------	-----------

کاندیدای اکادمیسین سیستانی

ملکه ثریا بنیان گذار موسسه نسوان و آزادی زن افغان



ملکه ثریا ملقب به شاه خانم
(۲۴ نومبر ۱۸۹۹ - ۲۰ اپریل ۱۹۶۸)

ملکه ثریا خانم اعلیحضرت امان الله خان، بنت محمود طرزی ابن سردار غلام محمدخان، ابن سردار رحمدل خان ابن سردار پاینده خان بود. این زن شجاع و فاضله در خانواده یک نویسنده و یک سیاستمدار نامدار افغان که هم پدر و هم پدرکلانش و پدر پدر کلانش، همگی شاعر، نویسنده، هنرمند و هنر دوست و روشنفکر بودند، در ۲۴ نومبر سال ۱۸۹۹ به در دمشق به دنیا آمد و در ۱۹۰۵ میلادی با خانواده خود به افغانستان برگشت و در سال ۱۹۱۳ با شهزاده امان الله خان در قصر شهر آرای کابل عروسی نمود و همانجا از طرف علیا حضرت سراج الخواتین مادر امان الله خان به لقب «شاه خانم» نامیده شد. این زن زیبا و زیرک و آگاه بر زبانهای ترکی و فرانسه‌ئی و عربی و فارسی مسلط بود و سخنران پر شور و مؤثری بود. پدر ملکه ثریا، محمود طرزی، نویسنده و گرداننده دانشمند و با تدبیر سراج الاخبار افغانیه بود و در تحت تربیت سالم او دخترانش هر یک خیریه طرزی خانم سردار عنایت الله خان و ملکه ثریا خدمات برجسته و فراموش ناشدنی برای جامعه زن افغانستان نمودند.

محمود طرزی در سراج الاخبار افغانیه از نقش برجسته زنان در دوران خلافت عباسی یاد میکرد. بقول او: «زمانی که تمام زنان و مردان اروپائی بی سواد و جاهل بودند، زنان مسلمان موقف های مهم بحیث شاعر و هنرمند داشتند و حتی در مقامات اداری کار میکردند.» طرزی مانند تجدد طلبان و اصلاح طلبان هم عصر خود قویاً از داعیه حقوق زنان حمایت می نمود و استدلال میکرد که فقط زنان تعلیم یافته و منور می توانند خانم ها و مادران خوب باشند و همین زنانند که فرزندان خوب که آینده متعلق به آنهاست، بارمی آورند.» همچنان طرزی توضیح میکرد که علت سقوط افغانستان پس از دوران تیمورشاه (۱۷۷۳-۱۷۹۳ م) تعدد زوجات بین حکمروایان بود که در نتیجه اولاد های متعدد آنها با ادعای مساوی به پادشاهی، کشور را در مبارزه داخلی قدرت قطعه قطعه کردند.

چون در زمان طرزی، شرایط زنان مسلمان (بخصوص زنان افغان) بسیار رقت انگیز بود، طرزی و شاه امان الله وجوانان افغان نخستین مدافعان حقوق زنان و نخستین طرفداران حق تحصیل و ازدواج زن با یک مرد در افغانستان بودند.

شاه امان الله و ملکه ثریا هر دو از اندیشه های محمود طرزی در جهت آزادساختن زنان از زندان چادری ملهم بودند. شاه امان الله بعد از حصول استقلال سیاسی، به نقش زنان در روند تحولات اجتماعی توجه خاص مبذول داشت و پروسه نجات زنان را بحیث شهروندان متساوی الحقوق آغاز نمود و به این منظور به تأسیس انجمن نسوان و مکاتب دخترانه اقدام کرد. وی تعدادی از دختران را برای فراگیری تحصیلات عالی در رشته های طبابت و نرسنگ و غیره به ترکیه فرستاد. شاه ازدواج با صغیرا ممنوع اعلان کرد و ازدواج مرد با چهار زن را به یک زن محدود ساخت. شاه امان الله در مورد گرفتن طویانه و عروسی قیوداتی وضع کرد تا فشار عروسی را از روی شانه های خانواده داماد کم کند. و نیز سن ازدواج را برای مردان ۲۲ سال و برای دختران ۱۸ سال تعیین نمود، اما در لویه جرگه دوم در سال (۱۹۲۴) که بخاطر خاموش کردن شورش پکتیا تدویر یافت، چون اکثریت اعضای آن جرگه را ملاکین و خانها و روحانیون متعصب تشکیل میدادند، بعضی تعدیلات در برنامه ریفورمها وارد شد که دولت مجبور شد موقتاً آنها را بپذیرد. با همه دشواری هایی که برسر راه شاه امان الله قرار داشت، در برنامه های اصلاحی دولت برای حقوق زنان فصل خاصی عنوان شده بود.

بنابر درخواست ملکه ثریا، در تابستان ۱۹۲۸ «انجمن حمایت نسوان» تشکیل شد و دوازده نفر از زنان بافهم کابل اداره انجمن را بدست گرفتند و خواهرشاه کبراجان مسئولیت اداره این انجمن را بدوش گرفت. بدینسان برای نخستین بار زنان در کار اداره مملکت با مردان شریک شدند. به شاروالی دستور داده شد تا لست زنان بیوه و بی سرپرست را ترتیب و آنها را در شفاخانه ها و لابراتوارها شامل کار نماید. شخص ملکه ثریا اداره مکتب مستورات را با همکاری عده ئی از زنان روشنفکر کابل به عهده گرفتند. کار نشر مجله «ارشاد النسوان» را مادر ملکه (اسما اسمیه) و روح افزا طرزی، دختر محمدزمان خان طرزی کاکای ملکه بدوش گرفتند.



اسما رسمیه خانم محمود طرزی

«ارشاد النسوان» نخستین نشریه مخصوص زنان بود که در دوران اصلاحات امانی در اول حمل سال ۱۳۰۰ خورشیدی به مدیریت اسما رسمیه، همسر محمود طرزی در کابل منتشر شد. مدیر این نشریه، روح افزا، دختر محمد زمان خان خازن الکتب و خواهر حبیب الله خان طرزی بود. این نشریه روی کاغذ نازک پسته ای رنگ در «سرای ده افغانان» کابل به چاپ سنگی می رسید. بیشتر مطالب ارشاد النسوان که زیر نظر مسقیم ملکه ثریا همسر امان الله خان منتشر می شد، مطالب آموزشی برای زنان و دختران بود. اخبار زنان، آداب معاشرت زنان، آشپزی، خیاطی، تربیت کودک و خانه داری، مهم ترین مطالب این نشریه را تشکیل می داد.

همچنان یک مکتب تدبیر منزل برای زنان کابل در باغ علی مردان با معلمی عده بی از زنان جرمنی و ترکی تأسیس گردید. ملکه ثریا محکمه ای دایر نمود که شکایات زنان را در مقابل شوهران بررسی کند. از قبیل ندادن نفقه و لت و کوب شدن توسط شوهران شان و یا طلاق دادن بدون موجب. یک هیئت مخفی واریسی زنان نیز ایجاد گردید که عکس العمل مردان را کنترل کنند و از زنان پیر خواستند که به خانه ها بروند و ببینند که رویه مردان با زنان شان چگونه است؟ همه این ها در پلان اصلاحی شاه امان الله خان شامل بود.

غبار از چشم‌دیدهای خود مینویسد: « روزی که ملکه ثریا در یک اجتماع از پیشرفت زنان جهان و عقب ماندگی زنان افغانستان سخن زد، زنان با درد بگریستند و پنجاه نفر زن فی المجلس خودشان را در خدمت معارف و تاسیس اولین مدرسه زنانه گذاشتند. ملکه چنان متأثر و منفع‌گردد که خودش وظیفه مفتشی مکتب مستورات را بر دوش گرفت » (سیستانی، علامه محمود طرزی، شاه امان الله و نقش روحانیت متنفذ، ص ۳۳)

بنابر دعوت ملکه ثریا چندین بار زنان ماموران بلند رتبه کابل به قصر دلکشا دعوت شدند و شاه برای آنها سخنرانی نمود و گفت که برخی از شما در منازل خود زندانی هستید و من شواهد و مثال‌های زیادی از این زندگی رقت بار زنان در خانه شوهران دارم. حتی برخی از زنان بر اثر فشار مردان در چار دیواری خانه و پوشیدن چادری به مرض سل مبتلا شده‌اند. شاه افزود که چادری مانع درس و تعلیم میگردد و بر عکس زنان اروپائی، زنان افغان از کار و کسب بی بهره‌اند. زنان در پوشیدن چادری باید از مردان خود ترس و بیمی نداشته باشند. سخنان شاه تأثیر فوق العاده‌ای بر زنان نمود و بسیاری از زنان در مقابل شوهران خود به دفاع از حقوق خود برخاستند. طبیعی است که زنان چون از لحاظ اقتصادی وابسته به مردان خود بودند کاری از پیش برده نتوانستند و برخی از جانب شوهران خود کوته کاری و یا تهدید به مرگ نیز شدند.

ملکه ثریا پس از بازگشت از سفر اروپا، مقاله‌ای در تاریخ ۲۵ جولای در اخبار امان افغان منتشر ساخت که در آن در مورد چادری گفته شده بود: چادری زن را از تنفس هوای آزاد مانع میگردد و به همین سبب اکثریت شان به مرض مبتلا شده‌اند. عنعنه پوشیدن چادری که معلوم نیست از کجا وارد اسلام شده، رفته رفته شکل مذهبی را بخود گرفت که در همه ادیان و کشورها دیده می‌شود، طوریکه برقع و دولاق امروز در وطن ما یک عمل عنعنوی بوده که رفته رفته جای خود را در دین و مذهب تاسیس نمود و به آن صبغه مذهبی دادند. قیل از نشر مقاله، ملکه ثریا با عده‌ئی از زنان صحبت کرد. نخست دختران مکاتب را ملاقات نمود و با آنها در مورد چادری صحبت نموده و آنها را تشویق نمود تا در از بین بردن آن سعی و کوشش نمایند، اما مجبور نیستند. سپس ملکه تعدادی از زنان را در قصر دلکشا ملاقات نمود و به آنها گوشزد کرد که با مردان در کارها سهم مساوی بگیرند، بخصوص در انکشاف کشور و در چهار دیواری خانه بقسم محبوس نباشند. او متذکر شده بود که زنان اروپائی در فابریکه‌ها کار میکنند، لکن زنان افغان که جسماً قوی تراند، اما در انکشاف کشور سهم نمی‌گیرند، زیرا علت آن پرده چادری است که در هیچ جا قابل قبول نیست.

زنان از نظر مذهبی می‌باید یک روپوش مخصوص در سر کنند تا موهای شان را بپوشانند، مگر پنهان کردن دست و روی زنان در روستاهای کشور رایج نیست، اما معلوم نیست از چه زمانی برقع و دولاق که زن را از فرق سر تا پاشنه پادر خود می‌پیچد، رایج گشته و در شهرها رفته رفته چنان اهمیت پیدا کرده که اگر زنی بدون برقع از خانه خارج شود، گویا که آبروی مرد را از بین برده است.

امان الله خان در یک ملاقات با ماموران عالی رتبه گفت که: از رشوت خوری و شراب نوشی ماموران مطلع است و بزودی آنها را بشدت مجازات خواهد نمود. بقول منشی علی احمد، هدف شاه از بیان این نکته ترساندن ماموران بلند رتبه و خاموش کردن شان در موضوع روی لوجی زنان بود که با این امر سر مخالفت داشتند، از جمله محمودخان یاور و میر هاشم خان وزیر مالیه بودند. بنابرین شاه به اولین کسانی که دستور داد تا با خانمهای خود بدون چادری حاضر شوند، همین دونه‌نفر بودند. بعد از این بود که سایر مامورین زنان خود را به پغمان و پارکها و سینماها بطور روی لوج و بدون چادری بیرون میبردند. (داکتر کاکر، دپاچا امان الله و اکمنی ته یوه نوی کتنه، ۸۱)

امان الله خان در جشن ۱۹۲۸ در بیانیه افتتاحیه خود از تعدد ازواج سخن زد و گفت: هیچ فردی نباید بیشتر از یک زن داشته باشد، سعادت آینده کشور مربوط به مادران است که نسل جدید را تربیه میکنند. امان الله خان خطاب به زنان گفت: پاک و عقیف و با عصمت باشید و در این صورت ترس از شوهران خود نداشته باشید. بعد شاه و ملکه ثریا و نورالسراج که بدون چادری بودند با نمایندگان ملاقات نمودند، سپس اتن ملی اجرا گردید. در این محفل اکثریت زنان دیپلماتان شرکت ورزیده بودند.

وقتی جشن استقلال تمام گردید، لویه جرگه تدویر یافت که در آن یک هزار و یک نماینده از سراسر افغانستان اشتراک ورزیده بودند. امان الله خان با بعضی از نمایندگان دیدار خصوصی داشت و به آنها پروگرام‌های اصلاحی خود را تشریح نموده گفت که: برای زنان آزادی داده شود، تعدد ازواج غیرقانونی، و تعلیم و تربیه زن و مرد اجباری، اجرای طلاق از طریق قانون مدنی صورت بگیرد، داشتن اسلحه منع گردد و بانک ملی تاسیس و در پهلوئی پول مسکوک پول کاغذی چاپ شود. لویه جرگه هیچکدام از این اصلاحات را نپذیرفت، بخصوص نمایندگان قبایل سرحدی که تحت نفوذ حضرات شوربازار بودند آنرا رد کردند.

در لویه جرگه ۱۹۲۸، که زنان هم در آن اشتراک ورزیده بودند، کبراجان خواهر شاه امان الله به نمایندگی از زنان افغانستان سخنرانی کرد. و ملکه ثریا زنان روشنفکر قندهار را پذیرائی نمود، تا آنها در برگشت از زندگی نوین در کشور به دیگر زنان حکایت کنند. در طرح اصلاحات اشاره شده بود که هیچ فرد نظامی مرید و یاپیر و رهبر مذهبی شده نمی‌تواند و نه در سیاست مداخله کرده میتواند و اعلان گردید که کسانیکه خانم خارجی دارند در وزارت خارجه استخدام شده نمی‌توانند، مگر اینکه خانم خارجی خود را طلاق بدهد. بر مسئله

تعلیم مختلط دختران و پسران از شش تا ده سالگی بمنظور جلوگیری از مصرف بودجه اضافی برای ایجاد مکاتب بحث صورت گرفت و در نتیجه قبول گردید.

در روز سوم تدویر جلسه یک موضوع بسیار پراهمیت دیگر مطرح گردید و آن دادن آزادی برای زنان افغان بود. در روز سوم لویه جرگه بعد از آنکه حقوق زنان با مردان مساوی اعلان گردید، ملکه ثریا از جا بلند شد و چادر نازک خود را که بر روی کشیده بود از سرگرفت و همانجا پاره کرد، حاضرین باکف زدن این عمل او را تأیید کردند و زنان دیگر از ملکه ثریا پیروی کردند و مردان روی زنان را دیدند، درحالی که نه از حسن زنان چیزی کاسته شد و نه از شرف و غیرت مردان چیزی کم گردید.

شاه امان الله یک ماه بعد از لویه جرگه (هفته اول ماه اکتوبر) چهارجلسه بزرگ در قصر ستور وزارت خارجه دایر کرد که در هر یکی ششصد تن از معاریف و مامورین عالی رتبه با خانمهای شان بشمول دیپلماتان خارجی مقیم کابل اشتراک داشتند. شاه در بیانیه روز چهارم خودبراین موضوع تأکید نمود که ظرف دو ماه دیگر برقع از سرزنها برداشته خواهد شد و بجای آن یک روسری (دستمال) مانند زنان ترکیه برسر انداخته میشود که در زیر گردن گره میخورد، مگر شاه متذکر شد که اختیار اینگونه ستر اجباری نیست. همچنان شاه به این نکته اشاره کرد که چادری در اسلام فرض نیست و بعد خطاب به ملکه ثریا گفت که چادر خود را از سر بردارد و ملکه چادر خود را از سر برداشت و زنان و حضار برایش کف زدند، بدون آنکه از شرف ملکه چیزی کاسته شده باشد. بدین سان ملکه ثریا نخستین زن افغان است که رسماً روی لوچی زن را در کشور اعلام کرد. بعد از آن شاه ملاهای متعصب را مورد حمله شدید قرار داد و آنها را اشخاص جاهلی خواند که مسؤول جمیع عوام فریبی ها و منبع تمام تعصبات بیجا و اشاعه و پخش جهالت و نادانیها میباشند. (ادمک، ص ۱۹۵) این سخنان شاه به ارتباط مخالفت ملاها و روحانیونی بود که با اصلاحات شاه در لویه جرگه صورت گرفته بود.

نویسنده کتاب «آتش در افغانستان» مینویسد که: روز ۱۲ اکتوبر، یک روز تاریخی در تاریخ زنان افغانستان به حساب میرود، زیرا برای بار اول زن افغان روی لچ در اجتماع قبول شد. از آن روز به بعد زنان منور برقع نپوشیدند و در عوض البسه مناسبی را اختیار کردند. در کابل بیشتر زنان بدون چادری دیده میشدند. دولت واقعاً میخواست که زن از حیثیت و عزت شایسته به عنوان شریک زندگی مرد و به عنوان یک انسان در جامعه بر خوردار گردد، زیرا در آن روزگار مخصوصاً در خارج از شهرها زن مثل حیوان در معرض بیع و شرا قرار میگرفت و در برخی موارد زن با گاو و اسب و خر و غله تبادل میگردد. به همین جهت است که محمود طرزی از وضع رقت بار زنان در افغانستان اشعار شگوه آمیزی دارد. شاه به این بسنده نکرد و طی فرمانی از مامورین دولت خواست تا بیش از یک زن نداشته باشند. این کارها گرچه در ظاهر با عنعنات جامعه افغانی سازگار بود، اما از نظر دولت در واقع راه هایی بود که لا اقل در شهرها نیز زن از آزادی بر خوردار گردد و اگر بخواهد بتواند با روی باز ظاهر شود. اما این روی باز در آن زمان از پیشانی تا زیر زرخ و دستها تا بند و پاها تا بجلک قابل رویت بود نه بیش از این، همان چیزهای که زنان در دهات افغانستان همواره از آن بر خوردار بوده و هستند.

شاه امان الله و ملکه ثریا تا آنجا برای آزادی زنان افغان مبارزه کردند که از جانب روحانیت منتفذ متهم به کفر شدند و بر سر این مساله نه تنها تاج و تخت سلطنت را از دست دادند، بلکه از کشور نیز تبعید گردیدند و در غربت جان دادند.

ملکه ثریا فرزندان به نامهای ذیل از شاه امان الله به دنیا آورده بود:

- ۱ - آمنه، با مصطفی حسن و یح از مسلمانان یوگوسلاوی ازدواج نمود.
- ۲ - عابده، نخست با علی ولی فرزند محمدریخان ازدواج نمود و بعد از فوت علی، با سردار حمیدالله عنایت سراج ازدواج نمود، مگر صاحب اولادی از او نشد.
- ۳ - سیف الله در کودکی فوت نمود.
- ۴ - ملیحه (داکتر جراح)، با طاهر سوکرترک ازدواج نمود، در ترکیه زندگی میکند.
- ۵ - حمایت الله در کودکی فوت کرد.
- ۶ - رحمت الله که ولیعهد بود، در ایتالیا ابتدا تحصیلات نظامی نمود و بعد در عرصه های علوم سیاسی ورشته های دیگر تحصیل نمود و فعلاً در روم زندگی میکند.
- ۷ - عادل، با یک مرد ایتالیوی ازدواج نمود صاحب چهار دختر شد.
- ۸ - احسان الله (انجنیر) با لیلیا طرزی دختر عبدالقواب طرزی ازدواج کرد اکنون در ژنیو زندگی میکند.
- ۹ - هندیه دافغانستان، ابتدا با کاظم ملک ایرانی ازدواج نمود و بعد از هشت سال از او جدا شد و بعد از هفت سال با داکتر رؤوف ازدواج کرد و از او صاحب پسری بنام اسکندر شد. کارنامه های هندیه جان در مقاله دیگری آمده است.
- ۱۰ - ناجیه، با ایلتر دوگان ترک ازدواج کرد و دو فرزند بنام های عمر و حمیرا دارد. (منبع، هندیه دختر ملکه ثریا)

ملکه ثریا بعد از ۶۸ سال و ۲۴ روز عمر بر اثر مرض سرطان روز ۲۰ اپریل ۱۹۶۸ در روم درگذشت و حکومت ایتالیا جنازه اش را باتشریفات شاهی احترام کردند و توسط طیاره به افغانستان فرستادند. و از کابل توسط یک طیاره نظامی به جلال آباد انتقال گردید و کمی دورتر از مقبره اعلیحضرت امان الله بخاک سپرده شد. و هندیه دافغانستان درحالی که تقریباً چهل سال داشت همراه با جنازه مادرش به افغانستان سفرکرد و آرامگاه پدرش را در باغ سراج الاماره در جلال آباد زیارت نمود و بزودی به روم برگشت. نویسنده کتاب آتش در افغانستان (ریه تالی استوارت) میگوید: هنگامی که جنازه ملکه ثریا به جلال آباد رسید ، من در میدان هوایی بودم، چندین نفر قبایلی دستار بر سرکه زمانی از اعمال وی متنفر و او را از کشور رانده بودند در پیشروی موتر جنازه نشسته بودند و قرآن میخواندند و در حالی که دعا میکردند از طیاره دور شدند. قبر ملکه ثریا را کمی دورتر از آرامگاه امان الله خان حفر کرده بودند، بعد از تدفین ، ملاها بی اختیار سخن زدند اما وی را تعریف نکردند. به استثنای اعضای فامیل ، هیچ زنی نیامده بود. وقتی مردها از قبر دور شدند، زندهای چادری دار آمدند و دستها را بلند نمودند و برای ملکه ثریا دعا خواندند. آری ایشان برای کسی دعا میخواندند که سالها قبل میخواست آنها را از زندان چادری نجات بدهد. (آتش در افغانستان ، ص ۱۹۴)

اتفاقاً شاه و ملکه هر دو به عمر شصت و هشت سالگی با فاصله هشت سال از هم چشم از جهان پوشیده اند.

روانهای آن دو وطن پرست شاز شاد و یادشان گرامی باد!